

یادداشت



ابراهیم سیف‌پور

پیشکسوت کشتی

قهرمانی با فنون ناب و تاریخی

از آن عکس معروف با دو دست باز که شش مدال طلای جهانی بر سینه‌اش آویخته بود، تا امروز که خبروداع او با دنیای فانی منتشر شد، آنچه تغییر نکرد صلابت او بود؛ قهرمان خودساخته و بزرگ کشتی ایران.

عبدالله موحد از من دو سال کوچک‌تر بود، اما از همان روزهای ورودش به اردو، همه از استعداد کم‌نظیرش سخن می‌گفتند. هرچند کشتی را نسبتاً دیرآغاز کرد، اما پس از کسب مدال طلای جهانی در مسابقات منچستر، نبوغ او بر همگان در سراسر جهان آشکار شد. او کسی بود که شش بار پیاپی مدال‌های طلای جهان و المپیک را بر گردن انداخت و در کنار زنده‌یادان غلامرضا تختی و امامعلی حبیبی، به‌عنوان مثلث افتخارآفرین کشتی آزاد ایران شناخته شد؛ سه قهرمانی که نامشان در تالار مشاهیر اتحادیه جهانی کشتی نیز ثبت شده است.

عبدالله در جهان رقیبی جدی نداشت و کشتی‌گیران خارجی، از بلغارها گرفته تا روس‌ها و آمریکایی‌ها، همگی از او هراس داشتند. او در بیرون از دایره طلایی، آرام و کم‌حرف بود، اما روی تشک، مغرور، سریع و بی‌امان ظاهر می‌شد و در برابر هیچ حریفی مامشات نداشت. همواره روحیه‌بخش سایر اعضای تیم بود و هم‌تیمی‌هایش را از نظر ذهنی و انگیزشی تقویت می‌کرد.

به خاطر دارم در اردوها، پس از تمرین‌های سخت و طاقت‌فرسا، وقتی از فرط خستگی به خوابگاه می‌رسیدیم، همگی بی‌زنگ به خواب می‌رفتیم؛ اما عبدالله تازه شروع به شعر خواندن و زمزمه کردن می‌کرد. در سال‌های پایانی دوران کشتی‌اش نیز راهی آمریکا شد و با وجود پیشنهادهای وسوسه‌انگیز، به دلیل تعلق خاطر و عرفی که به ایران داشت، هدایت تیم‌های خارجی را نپذیرفت.

جای بسی تأسف است که کشتی ایران هرگز از ظرفیت مریبگیری او بهره‌نرگفته تا فنون این نایفه بزرگ کشتی آزاد به نسل‌های بعد منتقل شود. در حال حاضر نیز بعید می‌دانم کسی در کشتی آزاد به سطح نبوغ و صلابت او برسد.

نگاه



عزیزالله اطاعتی

کارشناس کشتی

فنون استراتژیک ؛

میراث ماندگار قهرمان

عبدالله موحد در کشتی ایران تکرارنشدنی است. او چهراهی استثنایی در ورزش، تفکر، شخصیت، رویکرد علمی، سبک تمرین و شیوه مسابقه بود. امروز در ورزش‌های انفرادی، استراتژی تمرین و رقابت حرف اول را می‌زند؛ اما موحد در روزگاری که کشتی می‌گرفت، خود از پایه‌گذاران این نگاه استراتژیک در تمرین و مسابقه به‌شمار می‌رفت. او را می‌توان از تئوریسین‌های برجسته کشتی ایران و حتی جهان دانست؛ اولین کسی که تفکر را به‌صورت جدی وارد تمرین و رقابت کرد و بر استراتژی و تمرکز تأکیدی ویژه داشت.

موحد به‌خوبی از ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود بهره می‌برد، تا آنجا که در رشته‌هایی چون تنیس روی میز، والیبال و شنا نیز در حد تیم ملی فعالیت می‌کرد. او با سبک خاص خود در تمرین و مسابقه، سرآمد زمانه‌اش بود. در دورانی که بسیاری از کشتی‌گیران از نظر مالی در مضیقه بودند و با تمرینات سخت و غیرعلمی کار می‌کردند، موحد دنیای متفاوتی داشت و با تکیه بر دانش ورزش و هوش ذاتی، خود را آماده می‌ساخت.

متأسفانه کشتی ایران تنها در زمانی که عبدالله موحد مدال‌آور بود از او و افتخاراتش بهره برد؛ و خداحافظی او از دنیای قهرمانی، به‌نوعی به معنای فاصله گرفتنش از کشتی ایران شد.

پس از خروج او از «دایره طلایی»، کشتی ایران هرگز نتوانست از دانش و تجربه‌اش برای پرورش نسل‌های بعدی بهره‌مند شود. در واقع، کشتی ایران نه امروز که او آسمانی شده، بلکه از همان زمان کناره‌گیری‌اش او را از دست داد؛ و تنها نامش در تاریخ باقی ماند. این محرومیت، تنها برای ایران، بلکه برای کشتی جهان نیز رخ داد؛ آن هم به‌سبب تعصب و دلبستگی عمیق او به ایران، چرا که نمی‌خواست دانشش در خدمت رقیبانی قرار گیرد که ممکن بود بر کشتی ایران غلبه کنند. با این حال، تأثیر او چنان بود که حتی دان گیبل، یکی از پرافتخارترین کشتی‌گیران آمریکا، با بهره‌گیری از برنامه‌های تمرینی او به قهرمانی جهان رسید.

تنها یادگار مکتوب از عبدالله موحد، مجموعه‌ای حدود ۷۰ تا ۸۰ شماره از آموزش تکنیک‌های کشتی او و «صنعتکاران» است که در دنیای ورزش منتشر شد؛ در حالی که سبک کشتی او، سبکی اصیل و کاملاً ایرانی بود. اکنون شاید بهترین خدمت به کشتی، آموزش و تدریس سبک موحد به مریبان کشتی آزاد باشد، تا آنان بتوانند نسل تازه‌ای از کشتی‌گیران متفکر و استراتژیک، در تراز مکتب او، پرورش دهند.

نگاهی به کارنامه پرافتخار **زنده‌یاد عبدالله موحد**، قهرمان پرآوازه کشتی ایران

عجوبه تکرارنشدنی

میدان واکنش نبود، میدان پیش‌بینی بود؛ جایی که حرکت بعدی حریف، پیش از وقوع، در ذهن او شکل می‌گرفت.
او شش‌گانه ی زندگی را نیز به همین اندازه کم‌صدا و دقیق پیش رفت؛ از دل تمرین‌های سخت و امکاناتی که با استانداردهای امروز قابل مقایسه نیست، شخصیتی شکل گرفت که کمتر سخن می‌گفت و بیشتر حل می‌کرد؛ پیشتر می‌فهمید تا آنکه نمایش دهد. او به نسلی تعلق داشت که قهرمانی را نه انتخاب، بلکه رسالت می‌دانست و همین نگاه از او چهراهی ساخت که پیروزی‌هایش اغلب بدون هیاهو و با نوعی قطعیت سرد رقم می‌خورد؛ گویی نتیجه پیش از آغاز مبارزه تعیین شده است.

او نه فقط برحرفانش غلبه کرد، بلکه معیاری

منصور بزرگر، سرمربی اسبق کشتی آزاد در گفت‌وگو با «ایران»:

موحد با وطن پرستی تبدیل به ابرقهرمان شد

در آمریکا زندگی می‌کرد اما در ایران حس زنده بودن داشت

مه‌ری رنجبر/ منصور بزرگر، از شنیدن خبر درگذشت رفیق قدیمی و قهرمان اسطوره‌ای کشتی ایران، به‌شدت ناراحت است. با اصرار فراوان راضی به گفت‌وگو شد تا درباره شادروان عبدالله موحد با ما صحبت کند. پیش از شروع مصاحبه می‌گوید: «عمر طولانی یک عیب دارد؛ آن هم این است که مجبور می‌شوی شاهد مرگ رفقای نزدیک باشی.» بزرگر، صحبت درباره موحد را محدود به یک گفت‌وگو نمی‌داند و معتقد است درباره محاسن او می‌توان یک مثنوی هفتاد من نوشت؛ فوق‌ستاره‌ای که با اینکه در ایران نبود، اما همه وجودش برای ایران بود و به گفته خودش، تنها در ایران حس زنده بودن می‌کرد.

من نتیجه نمی‌گیرم، اما بعد از پنج سال، تیم ما با دو نقره و دو برنز سوم جهان شد. با این نتیجه، خادم هم به من ایمان آورد. سال ۱۹۶۸ میلادی که مرئی بودم، قرار بود با کسی شوخی نکنم. موحد مرا زیر نظر داشت و وقتی با من صحبت می‌کرد، می‌گفت: «تو را که می‌بینم یاد خودم می‌افتم.»

ظاهراً زنده‌یاد موحد با اینکه سال‌ها در آمریکا زندگی می‌کرد، اما قلبش برای ایران می‌تپید؟

موحد همه وجودش ایران بود. به همین خاطر وقتی آمریکا به او پیشنهاد مربیگری تیم ملی کشتی آزاد را داد، قبول نکرد. یک بار در جلسه‌ای در تهران که زنده‌یاد بهمنش و چند نفر از رسانه‌های ورزشی هم حضور داشتند، به موحد گفتند از زندگی در خارج از ایران راضی هستید؟ موحد گفت: «من در آمریکا زندگی می‌کنم و مشکلی ندارم؛ آنجا فقط زندگی می‌کنم، اما در ایران حس زنده بودن دارم.»

درست است که عبدالله موحد در کشتی سبک خاصی داشت؟

او دو ویژگی بسیار خاص در کشتی داشت؛ هم باهوش بود و هم دفاع مخصوص خودش را داشت، یعنی دست را که جلو می‌آورد، جلوی کتف می‌گرفت؛ البته به‌شکل اصلی کشتی ما این است که آنالیزور نداریم. همیشه به تیم‌های ژاپن و آمریکا

کشتی آزاد روبه‌رو می‌شویم؛ قهرمانی که در وزن ۷۰ کیلوگرم (در آن زمان ۷۰ و ۶۸ کیلوگرم) برای سال‌ها در عمل بی‌رقیب بود و توانست نام خود را در بالاترین سطح این رشته تثبیت کند. او در بازی‌های المپیک تابستانی ۱۹۶۸ میلاد طلای المپیک دست یافت؛ نقطه‌ای که برای بسیاری پایان مسیر است، اما برای موحد تنها یکی از ایستگاه‌های اوج بود. پیش از آن و پس از آن، در رقابت‌های جهانی کشتی پنج بار بر سرکوی اول ایستاد (۱۹۶۵ منچستر، ۱۹۶۶ تولیدو، ۱۹۶۷ دهلی نو، ۱۹۶۹ مار دل پلاتا و ۱۹۷۰ ادونتون) و در عمل دوره‌ای طلایی و کم‌نظیرا رقم زد.

در رقابت‌های قاره‌ای نیز او در بازی‌های آسیایی شاد و یادش گرامی.



جای خالی امامعلی حبیبی وعبدالله‌موحددر کشتی ما مری می‌شود؟

ستاره‌های هر دوره برای همان دوره هستند. روزی یکی از کشتی‌گیران در مسابقه‌ای باخت و به عبدالله موحد گفت: «بدری کشتی چقدر سخت شده؟» موحد گفت: «پسران، ما برای دوره خودمان بودیم و با شیوه آن زمان کشتی می‌گرفتیم.» اگر قرار بود در این دوره کشتی بگیرم، با سبک و سیاق امروز کشتی می‌گرفتم. همان‌طور که آن زمان برای خاک کردن حریف هول نمی‌دادیم، اما حالا هول دادن یکی از بدبختی‌های کشتی ما شده است. پس هرستاره‌ای برای دوره خودش تمرین می‌کند و هر دوره‌ای هم قهرمان خودش را دارد. اگر آن زمان عبدالله موحد ستاره کشتی ایران بود، حالا کمیل قاسمی و رحمان عموزاد آمده‌اند. او فن «یک دست و یک پا» را در کشتی باب کرد.

چرا به‌موحدمی‌گفتند کشتی‌گیر جگرگور؟
موحد در کشتی، علاوه بر هوش و تفکر، تکنیک و جسارت داشت. جدای از آن، او باشعورترین کشتی‌گیر بود و کمترین اشتباهات را روی تشک مرتکب می‌شد.



کشتی‌گیران خارجی ترجیح می‌دادند کمتر با او روبه‌رو شوند، چرا که تنه زدن به شیر کشتی ایران، مانند برخورد با دیوارهای بتنی بود. موحد ایران دوست بود و به ریشه‌هایش افتخار می‌کرد؛ ریشه‌ای که اجازه نداد به خاطر یک مشت دلار، فنون ناب کشتی را به آمریکایی‌ها بیاموزد.»

تختی دوباره به تیم ملی بازگشت و موحد در کنار تختی و حبیبی، تاریخ‌ساز شدند. این سه نفر، مثلث طلایی کشتی ایران از کوهنوردی ۱۹۴۸ لندن تا المپیک ۱۹۹۶ اتلانتا شکل دادند؛ مثلی که امروز دیگر هیچ‌یک از آنها در میان ما نیستند.»

دارنده چهار مدال جهانی کشتی ایران درباره ویژگی‌های عبدالله موحد نیز توضیح می‌دهد: «آنچه از عبدالله یک نایفه ساخت، سختی‌های عجیب و غریبی بود که در همه آنها عزت‌نفسش را حفظ کرد. ستاره بی‌بدیل ایران و جهان، بدنی بسیار منعطف و فنونی خاص داشت. عاشقانه کشتی را دوست می‌داشت و نامش را پیروزی گره خورده بود؛ حتی شنیدن نامش خارج از تشک، لرزه بر اندام حریفان می‌انداخت.

فیلسوف کشتی

یادداشت



علی اکبرحیدری

سرمربی اسبق کشتی آزاد

عبدالله موحد ر انی‌توان صرفاً در قاب مدال‌های طلای المپیک و جهان خلاصه کرد؛ او فراتر از یک قهرمان ورزشی، یک هرگز و وارد چنین حاشیه‌هایی و جهان بود. موحد در ۲۵ سالگی برای نخستین‌بار دوینده تیم ملی را بر تن کرد و خیلی زود در سال ۱۹۶۲ با پیروزی برابر زارنگ بریاشولی در دیداری دوستانه میان ایران و شوروی، نامش را بر سر زبان‌ها انداخت. از همان جا مسیر درخشش او را آغاز شد؛ مسیری که در کنار غلامرضا تختی و امامعلی حبیبی، مثلث طلایی کشتی ایران را در ادوار المپیک شکل

و علیرضا سلیمانی، محمد رضا نوایی و سید عباسی، حسن یزدانی و کامران قاسم‌پور، محمد طلایی و علیرضا دبیر و نیز رسول خادم و عباس جدیدی، غالباً به کری‌خوانی کشیده شده و حتی بر روابط آنها تأثیر گذاشته و گاه به چنین انجамیده است.

اما عبدالله موحد، با وجود رقابت و حتی مبارزه با منصور بزرگر، هرگز وارد چنین حاشیه‌هایی نمی‌کرد. شاید حمید سوریان و حسن

یزدانی نیز همچون او افتخارآفرین بوده‌اند، اما تفاوت موحد با آنان در تداوم مدال‌آوری طی شش سال پیاپی است؛ در حالی که سوریان و یزدانی مدال‌های خود را به‌صورت مستمر کسب نکرده‌اند.

در تاریخ کشتی ایران، روبروویی‌ی غول‌هایی چون علیرضا سوخته‌سرای

درباره مرحوم موحد حرف‌های زیادی مطرح شده، اما بدون تردید شما می‌توانید روایتی متفاوت از او برای نسل امروز بیان کنید.

موحد در چهار کلمه خلاصه نمی‌شود؛ صحبت درباره او، خود یک مثنوی هفتاد من است. من از سال ۱۹۶۸ با او کشتی گرفتم که او مرا خاک کرد. عبدالله موحد، با اینکه در المپیک مدال طلا گرفت، اما ما با هم خیلی رفیق بودیم. ما سه‌بار با هم کشتی گرفتیم. آخرین بار هم موحد با کاظم غلامی مصاحبه کرده بود و من هم حضور داشتم. وقتی متوجه شدم پیش ضرب خورده، با او کشتی نگرفتم.

او در بسیاری رشته‌های ورزشی تبحر داشت؛ کاپیتان تیم والیبال دبیرستان خود بود و فوتبال‌های در کشتی. کاپیتانی که در مدت هشت سال یک بار هم خاک نشد. موحد از زمان خود بسیار جلوتر بود. من درس زندگی ام را از او گرفتم و در دوره‌ای که همه تختی را الگوی خود می‌دانستند، عبدالله موحد الگوی تمام‌عیار من بود.

چه عاملی باعث شد موحد به یک اسطوره تبدیل شود؟

موحد از دوران کودکی سختی‌های زیادی در زندگی‌اش کشیده بود. حتی در دوره‌ای که کشتی می‌گرفت و اتفاقاتی که در المپیک مونیخ پیش آمد، برخی از آدم‌های آن دوره همه گناه‌ها را گردن او انداختند تا بقیه را بی‌گناه جلوه

ابراهیم جوادی، دارنده برنز المپیک در گفت‌وگو با «ایران»:

همیشه به خاک ایران وفادار بود

جوانی تازه‌کار بودم، خواست با انومبیل او به پارک‌شهر برویم. نمی‌دانید چقدر ذوق کرده بودم؛ انگار دنیا را به من داده بودند. الگوی من در کشتی بود و از آن پس تمرینات کشتی و بدنسازی‌ام را زیر نظر او انجام می‌دادم و او نیز به من اعتقاد زیادی داشت.»

دارنده مدال برنز المپیک مونیخ همچنین از رفاقتش با مرحوم می‌گوید: «برای اولین بار در مسابقات جهانی ۱۹۶۹ آرژانتین هم تیمی شدم و هر دو مدال طلا گرفتیم. سال بعد نیز من، موحد و سیدعباسی در کانادا به مدال طلا رسیدیم. اما در المپیک مونیخ، او در همان کشتی اول برابر حریف استرالیایی دچار آسیب‌دیدگی کتف شد، با این حال مسابقه را برد. در کشتی دوم به دلیل پارگی تاندون کتف، پزشک تیم

موحد برای تداوم موفقیت، خورد و خوراک خود را با ورزشش هماهنگ می‌کرد. او حتی از غذاهایی که دوست داشت صرف‌نظر می‌کرد تا ورزش ثابت بماند. کشتی‌گیران انگشت‌شماری مانند کارلین در سنگین وزن یا سابتی‌اف، توانسته‌اند نه چنین انضباطی دست یابند.

اخلاق‌مداری از ویژگی‌های بازار او بود؛ به‌گونه‌ای که هرگز در درگیری‌های میان تیم ملی و فدراسیون دخالت نمی‌کرد. شاید حمید سوریان و حسن یزدانی نیز همچون او افتخارآفرین بوده‌اند، اما تفاوت موحد با آنان در تداوم مدال‌آوری طی شش سال پیاپی است؛ در حالی که سوریان و یزدانی مدال‌های خود را به‌صورت مستمر کسب نکرده‌اند.

در تاریخ کشتی ایران، روبروویی‌ی غول‌هایی چون علیرضا سوخته‌سرای

^[1] موحد در کشتی، علاوه بر هوش و تفکر، تکنیک و جسارت داشت

^[2] موحد در کشتی، علاوه بر هوش و تفکر، تکنیک و جسارت داشت